

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بسمله» بازآفرینی کتیبه سنگی نوشت مسجد کبود تبریز به خط ثلث (۸۷۰ هجری قمری)



خوانش سیر تحول پیکربندی‌های فضایی شهر تاریخی تبریز

نویسنده:

ساناز جعفرپور ناصر



ویدیوی جلسات آموزشی

این کتاب حاصل محتوای آموزشی ارائه شده در چهار جلسه تخصصی برای کارشناسان ارشد مدیریت شهری کلانشهر تبریز، با تدریس خانم دکتر ساناز جعفرپور ناصر است. لطفا جهت دسترسی به ویدئوهای این جلسات، کیوارکدهای مربوطه را اسکن نمایید

خوانش سیرتحوّل پیکربندی های فضایی شهر تاریخی تبریز

- مؤلف: ساناز جعفرپور ناصر
- ناظر: محمدرضا عیوضی قراملکی
- صفحه آرا: سهیلا یوسفی
- چاپ اول: تابستان ۱۴۰۵
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- چاپ و صحافی: ولیعصر
- قیمت: ۳۰۰ هزار تومان



انتشارات

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی

کلان‌شهر تبریز



rctabriz.ir

- تبریز
- بزرگراه پاسداران
- کوی فرشته جنوبی
- ساختمان شورای اسلامی

شهر تبریز

• تلفن: ۹۷۵-۲۱۰۴ (۴۱)

© کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

مقدمه ناشر..... ۷

جلسه اول:

از منظومه قلعه - روستایی تا شکل‌گیری هسته کهن شهری ۱۱

سابقه سکونت در دشت تبریز و منظومه قلعه-روستایی ۱۴

شکل‌گیری هسته شهری تاریخی در قرن دوم هجری ۲۵

جلسه دوم:

از شهر قدیم تا رشد اقماری محلات بیرونی..... ۳۱

— مستندات تاریخی دروازه در دستی‌شاه/ باب‌اعلی ۳۹

— مستندات تاریخی دروازه ری/ جدید/ نو/ باغمیشه ۴۰

— مستندات تاریخی دروازه سرد/ گجیل..... ۴۱

— مستندات تاریخی دروازه ورجو/ ورجی/ ویجویه ۴۱

— مستندات تاریخی دروازه سنجاران/ سنجار/ استانبول ۴۲

- مستندات تاریخی دروازه طاق/ شتربان..... ۴۲
- مستندات تاریخی دروازه قلعه/ آه‌نین‌در/ سرخاب ۴۳
- محیط تاریخی شهر تبریز در قرون میانه: میدان کهن..... ۴۸

جلسه سوم:

- از شهر اقماری ایلخانی به شهر مرکزگرای ترکمانی..... ۵۵
- جریان‌های تأثیرگذار بر تحولات شهرسازی دوره ایلخانان ۵۸
- جریان‌های سیاسی..... ۵۸
- جریان‌های اجتماعی..... ۶۰
- جریان‌های مذهبی..... ۶۱
- جریان‌های اقتصادی..... ۶۲
- جریان‌های فرهنگی..... ۶۴
- جریان‌های تجاری..... ۶۵
- احداث باروی غازانی (۷۰۲ ه.ق.) و احاطه محلات بیرونی ۶۷
- بازتعریف سازمان فضایی شهر قدیم در ارتباط با ارسن حکومتی جدید
- (میدان صاحب‌آباد)..... ۷۵

جلسه چهارم:

- از شهر ترکمانی - صفوی به شهر قاجاری..... ۹۳
- رشد و توسعه شهر به بیرون باروی نجفقلی‌خانی با اتمام جنگ‌های
- ایران و روس ۱۰۲
- بحث و جمع‌بندی ۱۲۵

● مقدمه ناشر

این پرسش که «چگونه با مسائلمان روبرو شویم؟» دلمشغولی مهمی برای مدیران، متولیان و نخبگان شهرهاست. کوشش‌های پردامنه برای یافتن پاسخ‌های مطلوب به این پرسش اساسی، حتی اگر لزوماً به حل مسائل شهری ختم نشود، موجب رشد دانش شهری در جوامع مختلف شده است. جامعه شهری ایران نیز همپای تحولات جهانی، با دسته‌ای از مسائل روبروست که نمی‌توان آنها را انکار کرد یا نادیده گرفت یا حتی تعلیق نمود. گریزی از درگیری با این مسائل نیست و هرگونه تاخیر در درک و حل آنها، هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای امروز و فردای ما تحمیل می‌کند.

در مواجهه با مسائل شهری، نخستین ضرورت، درک صحیح از مسائل است؛ درک صحیح یعنی اشراف بر زمینه‌ها، ابعاد و پیامدهای مسئله و نتیجه چنین درکی، طراحی درست

صورت مسئله خواهد بود. واضح است که در فقدان صورت مسئله درست، راه‌های حل مسئله به روی ما بسته خواهد بود و جز اتلاف زمان و منابع، نصیبی نخواهیم داشت.

بر این اساس، سیاستگذاران شهری، می‌کوشند با بکارگیری شیوه‌های روزآمد و کارآمد در طراحی درست صورت مسائل شهری، نیروهای موجود و در دسترس را برای حل مسائل تجهیز کنند. پژوهش‌های شهری، معطوف به چنین رسالتی شکل می‌گیرند و تبدیل به رکن سیاستگذاری و مدیریت شهری می‌شوند. مطالعه تجربه‌های مدیریت شهری در ایران و سایر جوامع حکایت از این دارد که مدیریت‌های مطلوب، با پژوهش‌های مسئله‌محور و موثر پیوند دائمی دارند. این رویکرد، البته امروز از امری ویتترینی به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است و سیاستگذاران شهری، بی‌توجه به چنین ضرورتی، توفیق چندانی در گره‌گشایی و اعتلای شهرها نمی‌یابند.

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز، به عنوان بازوی پژوهشی و کارشناسی نهاد مردمی شورای اسلامی شهر، رسالتی در همین

مسیر بر دوش دارد. ارتباط مستمر با جامعه دانشگاهی، کارشناسان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف مدیریت شهری، ارجاع مسائل شهر به ایشان و دریافت پاسخ‌های راهگشا و موثر برای حل مسائل، زنجیره اقدامات مرکز را شکل می‌دهد.

بخشی از یافته‌های پژوهشی در قالب گزارش‌های کارشناسی، به صورت عمومی عرضه می‌شود. مخاطب این گزارش‌ها، سیاستگذاران، مدیران و افکار عمومی است. بخش دیگری از دستاوردهای پژوهشی، با هدف تولید ادبیات، تقویت دانش شهری و دامن زدن به گفتگوهای انتقادی، در قالب کتاب منتشر می‌شود. ارزش‌های پیدا و پنهان آثار مکتوب، بر کسی پوشیده نیست. ما امیدواریم مجموعه آثار منتشر شده توسط این مرکز، به پشتوانه نقد و نظر اصحاب فکر، صاحبان اندیشه و تجربه در امور شهری، سهمی در درک و حل مسائل و در نهایت، بهبود وضعیت و کیفیت زندگی شهری داشته باشد.

روح الله رشیدی

رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز

جلسه اول:

از منظومه قلعه - روستایی
تا شکل گیری هسته کهن
شهری

پیکربندی فضایی-اجتماعی به چیدمان پویا و روابط متقابل کنش‌های اجتماعی، روابط قدرت، و فضاهای کالبدی در یک محیط مشخص اشاره دارد. در اصل، این اصطلاح، تعامل بین محیط ساخته شده و الگوهای اجتماعی را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که چگونه طرح‌بندی‌های فضایی بر رفتار اجتماعی، دسترسی و توسعه جامعه تأثیر می‌گذارند. با تکامل شهرها، پیکربندی فضایی-اجتماعی آن‌ها منعکس‌کننده تغییرات در نیازهای اجتماعی، پیشرفت‌های فناورانه، عوامل اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی است. تجزیه و تحلیل این پیکربندی به برنامه‌ریزان شهری و محققان کمک می‌کند تا فرآیندهای شکل‌دهنده رشد، تحول و سازگاری شهر را درک کنند.

سابقه سکونت در دشت تبریز و منظومه قلعه-روستایی

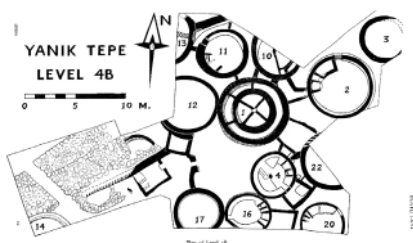
بازه نخست سیرتحولات شهری تبریز به هزاره دوم قبل از میلاد تا ورود خاندان اُزد (از قبایل یمنی ساکن بصره) به دشت تبریز در سده هفتم میلادی (سال ۱۴۱ ق.) باز می‌گردد. مطالعات مربوط به سابقه سکونت در دشت تبریز با کاوش‌های چارلز برنی^۱ بر روی محوطه «یانیق تپه» واقع در ۳۱ کیلومتری جنوب غربی شهر تبریز و ۶ کیلومتری خسروشهر طی سال‌های ۶۲-۱۹۶۰ م. آغاز گردید. قدیمی‌ترین لایه‌های استقرار در یانیق تپه، آثار متعلق به دوره نوسنگی متأخر حدود اواسط هزاره ششم ق.م. را ارائه می‌کند. مهمترین شاخص‌های فرهنگ یانیق تپه (۲۹۰۰-۳۵۰۰ ق.م.) در دوره مس‌سنگی با الگوی معماری مدور و ظروف سفالی صیقلی سیاه تا خاکستری با نقوش کنده است. در دوره کورا-ارس III (۲۲۰۰-۲۶۵۰ ق.م.) تغییری اساسی در سنت‌های ساختمانی به وجود می‌آید و خانه‌های مدور با ساختارهایی راست گوشه جایگزین می‌شوند (Burney, 1962).

مطالعات باستان‌شناسی در یانیق تپه، هفت سطح

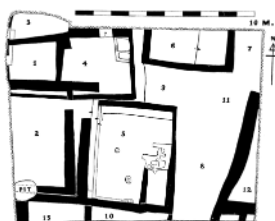
1 - Charles Allen Burney (born 1930) is a British archaeologist known for his discovery of Urartian sites in Turkey in the 1950s and his excavations at Yanik Tepe, Tabriz, Iran from 1960 to 1962.

ساختمانی اصلی را مشخص کرد، اما با توجه به این واقعیت که سطوح به سمت جنوب فرو می‌روند، در حالی که تپه فعلی به سمت شمال شیب دارد، تنها در یک بخش از کاوش‌ها همه این سطوح یافت شد. همه سطوح به جز آخرین سطح شامل بقایای خانه‌های مدور یا مرتبط با آنها بودند: کشف این‌ها کاملاً غیرمنتظره بود، زیرا هیچ اثری از آن‌ها در سطح تپه وجود نداشت. آثاری از ساختمان‌ها که نمایان بود دارای پلان مستطیل شکل بود. البته هنوز نمی‌توان گفت که خانه‌های مدور در کل محدوده شهر وجود داشته است. تراکم ساختمان‌ها در منطقه حفاری شده جمعیت حداقل دو هزار نفری را نشان می‌دهد، در حالی که ضخامت دیوار دفاعی سنگی ثابت می‌کند که این سکونتگاه روستایی صرف نبوده است. در سرتاسر آن از خشت خام استفاده می‌شد، به جز دیوار شهر که از سنگ برپا شده است. برای ساخت دیوار عمدتاً سنگ‌های آذرین کوچک که از تپه‌هایی در چند کیلومتری شرق یا نینق تپه به دست می‌آمد، در گل سفت قرار گرفته و با اندود گلی پوشانده شده‌اند. پی‌ها حفر نشده بودند، و دیوارها از سطح کف شروع می‌شدند، که در داخل خانه‌ها کف اغلب کمی پایین‌تر از سطح بیرونی بود. در محوطه حفاری شده تنها یک حیاط باز وجود دارد و پلان سطح آن بدون طرح‌بندی خیابان‌ها، و بدون جایی برای ورود گاری‌ها

است، اگرچه باید برای حمل و نقل سنگ‌ها برای ساخت دیوار شهر از گاری استفاده می‌شد. دیوارهای بیرون خانه‌های مدور عمدتاً دارای ویژگی‌های سست و آشکارا ناپایدار بودند. برخی از اتاقک‌های بیرون از خانه‌ها برای ذخیره غلات یا علوفه حیوانات استفاده می‌شد، همانطور که در یک روستای امروزی نیز در این منطقه وجود دارد (Burney, 1961).



Plan of Level 4B



تصاویر بالا و پایین راست: بناهای دوره اول از عصر برنز اولیه یانیق تپه
تصویر پایین چپ: پلان دوره دوم از عصر برنز اولیه یانیق تپه

سابقه سکونت در محدوده فعلی شهر تبریز بنابر یافته‌های باستان‌شناسی بدست آمده از دو سایت «مسجد کبود» (بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ به سرپرستی علیرضا هژبری نوبری) و «گورستان گجیل» (۱۳۹۸ به سرپرستی قادر ابراهیمی) به هزاره‌های اول و دوم ق.م. (عصر آهن I و II) باز می‌گردد. هر چند قطعات افسیدین و سفال‌هایی مربوط به دوره پیش از تاریخ نیز یافت شد. سایت مسجدکبود به لحاظ گاهنگاری، بدلیل قرار گرفتن تعداد زیادی از قبور در لایه‌های مختلف که بیانگر طولانی بودن مدت استفاده از این محوطه بوده و نیز با توجه به اشیای مکشوفه به همراه تدفین‌ها، که در بعضی از قبور تلفیقی از آثار فرهنگی عصر آهن I و II را شامل می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که در این گورستان تداوم فرهنگی بین دو دوره وجود داشته و محدوده زمانی این محوطه را می‌توان بین ۱۲۰۰ تا ۸۰۰ ق.م. تاریخ‌گذاری نمود (هژبری نوبری و صالحی گروسی، ۱۳۸۴: ۳۱). با تعریف پروژه‌های جدیدی برای مطالعه لایه‌های تمدنی شهر تبریز، در پاییز ۱۳۹۷ کاوش در سه ترانشه مطالعاتی در گورستان گجیل، اطراف میدان انگج و محوطه مسجد ملاعلی در بازار آغاز گردید. در ترانشه گورستان گجیل (باغ گلستان) پس از آشکار شدن مقابر قرون اولیه اسلامی، زیر یک لایه آبرفتی تدفینی

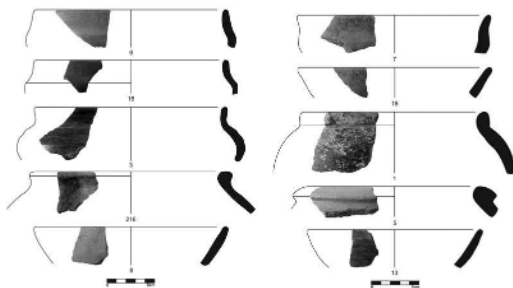
دسته جمعی مربوط به عصر آهن I در عمق ۵ متری کشف گردید. در این ترانشه در عمق ۹ متری سه قطعه ابسیدین احتمالاً متعلق به دوره نوسنگی، از درون لایه‌های ماسه بادی بدست آمد. در ترانشه دوم در عمق تقریبی ۴ متری از سطح خیابان نزدیک به ۳۰۰ قطعه سفال متعلق به عصر آهن (۵۵۰-۱۲۰۰ ق.م.) بدست آمد.

علاوه بر یافته‌های حاصل از کاوش‌های علمی، یکی از مهمترین اسناد مربوط به هزاره اول ق.م. که در آن به محدوده دشت تبریز و ساکنان آن اشاره شده است، شرح لشکرکشی سارگون دوم پادشاه آشور (۷۰۵-۷۲۱ ق.م.) در سال ۷۱۴ ق.م. به قلمرو اورارتو جهت حمایت از پادشاه ماننا و تضعیف اتحادیه‌ای که توسط «روسا»، شاه اورارتو، بر علیه آشور در منطقه تشکیل یافته بود، است. در این متن به ویران کردن دو قلعه «تاوری» و «تارماکیس» در سرزمین قبیله «دالیان» توسط لشکر آشور که پایگاه اسبان ذخیره اورارتو بود، اشاره شده است. لشکریان آشور همه جا انبارهای جو را تصرف کرده و گندمزارها و مراتع را نابود کرده‌اند. عموم پژوهشگران مکان دو قلعه تاوری - تارماکیس را در دشت تبریز نوشته‌اند. به نظر می‌رسد مردم منطقه «دالی‌یا» به علت واقع شدن در میان

دو قدرت منطقه، یعنی اورارتو و ماننا، همواره از استقلالی نسبی برخوردار بودند و نسبت به شرایط موجود به یکی از دو طرف گرایش می‌یافتند. وصف یکی از دژها از این قرار است: «تارماکیس دارای استحکامات مهم بود. سدهای [بارو] ساخته شده در این جا محکم بود. همین سدها را خندق‌های ژرفی احاطه کرده بود. نیروهای احتیاطی قشون‌های دولت در این جا مستقر بودند. اسب‌های آن‌ها [سپاه اورارتو] نیز در اینجا نگهداری می‌شد. ساکنان بخش‌های اطراف از ترس من [سارگن] در این جا پناه گرفته بودند. هنگام لشکرکشی من به این جا، اهالی برای نجات جان خویش ناگزیر از ترك این جا و فرار به دشت‌های بی‌آب شدند. من این محال را به تصرف درآوردم و در میان سکونتگاه‌هایی که تبدیل به استحکامات تدافعی شده بودند، جنگیدم. باروهای همین قلاع را با خاک یکسان کردم، به اماکن داخل قلعه آتش زدم و مقدار زیادی از آذوقه ساکنان قلعه را به آتش کشیدم. درهای انبارهای بزرگ را که مملو از جو بودند، گشوده، بین لشکریان بی‌شمار خود تقسیم کردم. سی دهکده اطراف همین قلعه را نیز طعمه آتش کردم. دود این دهات به آسمان رفت» (رئیس‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۰۱۸/۲).



تصاویر (۱) بالا: نمایی از ساختار خانه‌های مدوّر دوره مس یانیق‌تپه، و تدفین جنینی در گورستان عصرآهن III شرق تپه (Burney, 1961). پایین: یکی از گورهای سایت عصرآهن مسجدکبود همراه با ظروف سفالین و تدفین جنینی در جهت شرق به غرب و رو به شمال.



تصاویر (۲) بالا: تدفین دسته‌جمعی کشف شده از ترانشه گورستان گجیل با قدمت حدود ۱۲۰۰ ق.م.؛ پایین: گونه‌های مختلف سفالی بدست آمده از ترانشه دوم وجود استقرارهای عصر آهن را در حوالی میدان انگج اثبات می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۲۱).

در قرون اولیه میلادی با توجه به تعدد منابع ارمنی و بیزانسی، می‌توان به اشاراتی از شهر تبریز دست یافت. پدر اپریقیان در فرهنگ جغرافیایی مصور خود که در طی سال‌های ۵-۱۹۰۳ م. در سه جلد به زبان ارمنی در سن‌لازار ونیز به چاپ رسانده، دو روایت تاریخی دربارهٔ تبریز نقل کرده است: «خسرو پادشاه ارمنستان، به هنگام بازگشت از بیت المقدس، صلیب مقدس خود را در شهر «داورژ» [= تاورژ/توریز/تبریز] در درژی که در بخش شرقی شهر بود، دفن کرد. تیرداد، پادشاه ارمنستان در ۳۲۱ م. به طرف آذربایجان حرکت کرد و تبریز را از شاپور [دوم] ساسانی گرفته، برج و باروی آن را تعمیر کرد» (همان: ۱۰۱۳/۲). مینورسکی نیز در تاریخ تبریز از قول فاوست بیزانسی می‌نویسد: «هنگام فرمانروایی آرشاک دوم حکمران ارمنستان (۳۶۷-۳۵۱ م.)، واساک، سردار ارمنی، به شاپور دوم ساسانی (۳۷۹-۳۰۹ م.) که در «تورژ» [= تاورژ/توریز/تبریز] اردو زده بود، حمله کرد و بویکان، ساتراپ ایرانی را بکشت و قصر شاهی را آتش زد و تیری به سوی مجسمه شاه که در آنجا وجود داشت، انداخت و سپس موشق، پسر واساک، سپاه ایران [آتروپاتن] را در تبریز شکست داد» (مینورسکی، ۱۳۳۷: ۹). از اخبار فوق چنین برمی‌آید که موضع تاورژ [= تاور/توریز/تبریز] در سده‌های سوم و چهارم میلادی سکونتگاهی بوده که پادشاهان ساسانی در آن قصری داشته‌اند که این قصر

گویا در سده‌های بعدی نیز وجود داشته است. حسین‌اف و سمباط‌زاده، مؤلفان تاریخ آذربایجان نیز در میان شهرهای عمده سده‌های پنجم و ششم میلادی آذربایجان، از تبریز نام برده، نوشته‌اند: «در این دوره تبریز مقر حاکم شاهان ساسانی، دارای زندگی پر جنب و جوش اقتصادی و قصرهای باشکوه بوده و ساسانیان به جهت موقعیت خاص استراتژیکی این شهر، پادگان نظامی مهمی در آن جا داشته‌اند» (رئیس‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۵/۲).

در دوره پس از اسلام، اگرچه مورخین قرون میانه احداث شهر تبریز را در سال ۱۷۵ ق. به زیاده خاتون همسر هارون الرشید نسبت داده‌اند (بناکتی، ۱۳۴۸: ۱۵۲؛ ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۳۹؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۱)؛ با این حال، در وقایع‌نگاری‌های محلی که طی قرون متمادی گزارش‌هایی را سینه به سینه منتقل کرده‌اند، اشاراتی به ساختار پیش از اسلام شهر دیده می‌شود. «کربلائی» در «روضات الجنان و جنات الجنان» (تألیف: ۹۷۵ ه. ق) در شرح تاریخ شهر تبریز می‌نویسد: «بدان که شهر تبریز از بناهایی است که در ظهور اسلام واقع شده، قبل از بنای آن، بجای آن و در حوالی آن، ده‌ها و قلعه‌ها بوده و مردم آنجا آتش پرست بوده‌اند» (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱۵/۱). «حشری» نیز در «روضه اطهار» (تألیف: ۱۰۱۱ ه. ق.) با نام بردن از برخی دژهای پیش از اسلام دشت

تبریز، چنین آورده است: «در حوالی تبریز پنجاه قلعه، و تبریز از کوه چرنداب تا کوه سرخاب بیشه بود. از جمله قلاع: قلعه پشنگ و قلعه زرنگ و قلعه شادهنگ و بلهجان و خرم‌آباد. [...] در چرنداب چهار قلعه بود در قرب یکدیگر چنان‌چه زنجیر بر اطراف آن‌ها کشیده بودند و زنگ‌های عظیم به زنجیرها مترتب ساخته بودند که به شب اگر دزدی و کسی خواهد داخل بشود معلوم می‌شد و همه از حال یکدیگر واقف بودند. قلعه سرخاب چهار عدد: گراب [= گرو]، فرقانه، آهنین در در قرب شهر، و هامان حصار. اسکندره در اسکندان. قلعه بیو در مهران رود. اسبیس آباد [= اسبدیس] در حوالی سرخاب. و در آن ولا که عساکر اسلام بدین دیار تسلط یافتند [= ۵۲۲ ق.] پادشاه تبریز «هامان بن مهریار» بود، وی با عبدالله عمر محاربات نمود. شصت هزار مرد و پنجاه قلعه داشت» (حشری، ۱۳۷۱: ۱۸). کاتب «منظر الاولیاء» (تألیف: ۵۱۳۰۴ ق.) نیز با آوردن سخن حشری به قلاعی دیگر از جمله در موضع باویل: سوستان کله [= جای، زار]، مه‌آباد، لنگان هامان، و کله بزم [آوران] اشاره دارد که در نسخه تصحیحی روضه اطهار ناخوانا بوده‌اند (اسرار تبریزی، ۱۳۸۸: ۳۶).

بدین ترتیب، با توجه به وقایع‌نگاری‌های تاریخی، نظام سکونت در گستره دشت تبریز و محدوده فعلی شهر تبریز از

هزاره اول ق.م. تا اوسط قرن دوم هجری به صورت مجموعه‌ای از قلعه - روستاها، تحت تابعیت یک یا چند قلعه نظامی بوده است. با توجه به اسامی برخی قلاع که در سرخاب، چزنداب و بیلانکوه آمده است، به نظر می‌رسد قلعه‌ها بر روی تپه‌های متعدد موجود در دشت بنا گشته بوده‌اند. قلعه‌های واقع در کوه‌های شمالی سرخاب از تسلط بهتری نسبت به دشت تبریز برخوردار بودند.

شکل‌گیری هسته شهری تاریخی^۱ در قرن دوم هجری

دوره دوم از سیر تحول منظر شهری تاریخی تبریز از ورود خاندان «آزد» به دشت تبریز در ۱۴۱ ه.ق. تا پایتخت شدن آن در دوره ایلخانان در ۶۶۳ ه.ق. باز می‌گردد. نکته حائز اهمیت در این دوره، گذار از الگوی دیرپای منظومه قلعه - روستایی و شکل گرفتن هسته شهری به محوریت بازار و مسجد جامع است. هسته کهن شهری با ساخت بارویی در حدود ۱۷۵ ه.ق. بنا نهاده شد، و طی زمین‌لرزه‌های سال‌های ۲۴۴ ق. و ۴۳۴ ق. مورد توسعه و بازسازی قرار گرفت. نقطه عطف این دوره ساخت باروی رودی در سال ۴۳۵ ه.ق. است با هندسه‌ای

مربع به طول ۶۰۰ گام و ده دروازه که تا به امروز محدوده «شهر قدیم» تبریز را بیان می‌کند.

در اواسط قرن دوم هجری با افول امویان (۱۳۲-۴۱ ه.ق.) و قدرت یافتن خلفای عباسی، شهرنشینی و توسعه راه‌های تجاری در آذربایجان قوت گرفت. در این دوره با ورود «خاندان آزد» به دشت تبریز، نظام باستانی و جوامع محلی آن تحت تأثیر ورود اقوامی با فرهنگ جدید، الگوی توسعه‌ای متفاوتی را تجربه کردند. «آزد» نام مجموعه‌ای از قبایل کهن عرب است که به عنوان یکی از قبایل «قحطانی» یا جنوبی برخاسته از یمن شناخته می‌شود. در حدود قرن اول و دوم میلادی به دنبال انحطاط نسبی تمدن مأرب و تغییر اوضاع اجتماعی و اقتصادی، دوره «افتراق» یا مهاجرت‌های قبایل آزد به عمان، بحرین، یثرب، حیره، و شام آغاز می‌شود و تا ظهور اسلام ادامه داشته است.

در دوره خلافت منصور (۱۵۸-۱۳۶ ه.ق.) و با آغاز نهضت شهرگرایانه عباسیان، حدود ۱۴۱ ه.ق.، «یزید بن حاتم مُهَلَّبی» والی آذربایجان، یمنی‌ها را از بصره به آذربایجان منتقل ساخت و نخستین کس بود که آنان را منتقل کرد و «رواد بن مثنی آزدی» را در تبریز تا بذ فرود آورد. رواد دارای سه پسر به نام‌های

وجناء (۱۸۹-۱۷۰ه.ق.)، محمد (۲۳۲-۱۸۹ق.) و یحیی بود. بنابر منابع قرون اولیه اسلامی، نخستین باروی تبریز در دوره خلافت هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰ه.ق) به دست «وجناء بن رواد ازدی» برپا گشته است. در «فتوح البلدان» چنین آمده: «اما تبریز، رواد ازدی و سپس وجناء بن رواد به این شهر وارد شدند. وجناء و برادرانش در آنجا بنائی بساختند. وی بر شهر حصارى کشید و همراهان وی در آن بلد منزل گزیدند». مشخصاً این بارو نخستین عنصر تعریف کننده هسته اولیه شهر تبریز در دشت تبریز بوده است. اگرچه از موقعیت دقیق آن اطلاعی در دست نیست؛ اما، به احتمال زیاد در امتداد گذر قدیم خراسان (ونیار - اهر - طالش - قزوین) به بغداد (ناحیه سرد صحرا/ عراق عرب)، در محدوده جنوبی مهران رود برگرد مکان‌هایی مانند میدان کهن (محلّه نارمیان)، میدان انگج/ انگژ و مسجد جامع کشیده شده بود و مراکز آئینی و بازارگاهی را شامل می‌شد.

طی قرن سوم هجری تبریز به یکی از شهرهای مهم آذربایجان تبدیل می‌شود، به نحوی که با وقوع زمین‌لرزه‌ای ویرانگر در سال ۲۴۴ ه.ق. متوکل عباسی (خلافت: ۲۴۷-۲۳۲ ق.) بی‌درنگ دستور به بازسازی شهر می‌دهد (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۲). در «حدود العالم» (تألیف: ۳۷۲ ه.ق.) بنای باروی دوم تبریز به «علاء ابن احمد» نسبت داده شده است (مجهول المؤلف، ۱۳۶۲: ۹۲). ابن حوقل که در حدود

۳۴۴ه.ق. در آذربایجان بوده در وصف تبریز می‌نویسد: «تبریز، شهری زیبا و آبادان و پرجمعیت و پربرهه و حاصل خیز است. بازارهای بسیار و داد و ستد دارد. این شهر قصبه [= مرکز] آذربایجان و امروزه آبادترین شهر آن است» (۱۳۶۶: ۸۴). با ثبات سیاسی و امنیت حاصل از حکومت روادیان (۴۶۵-۳۷۰ه.ق.) تبریز به مرکز اقتصادی سرزمین‌های جنوب قفقاز بدل شده و شاهد رشد سرمایه انسانی است، اما بار دیگر در ۴۳۴ه.ق. به زلزله‌ای سخت ویران می‌گردد. در گزارشی به تخریب قلعه و سور و خانه‌ها و گرمابه‌ها و بازارها و بیشتر دارالاماره با پنجاه هزار کشته اشاره شده است.

در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری، آذربایجان، برخلاف مناطق شرقی و مرکزی ایران، در اختیار خلیفه عباسی بود. به این معنا که مستقیماً از طرف خلیفه امیری برای آنجا معین می‌شد. زمانی که ترکان در دربار عباسیان به قدرت رسیدند، امارت بلاد مختلف به دست آنها افتاد. یکی از اینان که خاندانش برای چندین دهه قدرت را در آذربایجان بر عهده داشت، «ابو الساج دیوداد بن دیودست» از ترکانی بود که اصلش از ایالت اشروسته ماوراءالنهر در دورترین نقاط شرقی دنیای اسلام بود. فرزندش «محمد بن ابی الساج» معروف به «ابوالمسافر» در سال ۲۷۶ه.ق. از طرف «موفق» ولیعهد «معتمد» (خلافت: ۲۷۹-۲۵۶ه.ق.) به امارت آذربایجان

منصوب شد. وی در ۲۸۴ ه.ق. / ۸۹۷ م. خود را «افشین»^۱ خواند و ادعای استقلال کرد. اندکی بعد، اختلافش با دربار عباسی حل شد و ارمستان نیز در ۲۸۵ ه.ق. ضمیمه حکومتش گردید. وی در وبای سال ۲۸۸ آذربایجان درگذشت.

در سال ۳۱۸ ه.ق. حکومت آذربایجان نصیب «مفلح»، یکی از موالیان «یوسف بن ابوالساج» (حک: ۳۱۵-۲۸۸ ق.)، شد و سلسله بنی ساج رو به ضعف رفت و بدست حکام عباسی انقراض یافت. اندک زمانی پس از فروپاشی خاندان بنی ساج در آذربایجان، این ولایت میدان جنگ و ستیز شد، که از میان پیکارگران، «مرزبان بن محمد» از آل مسافر (سالاریان دیلمی) حدود سال ۳۳۰ ه.ق. / ۹۴۱ م، بر آذربایجان مسلط شد. بعد از مرزبان (۳۴۶-۳۳۰ ه.ق.)، با وقوع و استمرار اختلافات خانوادگی، قدرت این خاندان به تدریج رو به ضعف نهاد، تا آنکه حکام محلی بر واپسین فرمانروای سالاریان، ابراهیم بن مرزبان، شوریدند. با مرگ مرزبان بن محمد در سال ۳۴۶ ه.ق. و ضعف سالاریان، تا ۳۵۰ ه.ق.، تبریز تحت فرمانروایی «ابوالهیجاء حسین بن محمد بن رواد» (فوت: ۳۷۸ ه.ق.) در آمده بود.

۱ - افشین عنوان باستانی شاهان آشروسنه، کوهستانی ما بین سمرقند و خوجنده، پیش از آمدن اسلام به آن ناحیه بود. محمد افشین بن دیوداد با سرداری به نام خدیر بن کاووس معروف به افشین که در ۲۲۳ ه.ق. بابل را به معتصم تسلیم نمود، از یک سرزمین اند.